

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی

ازریابی جایگاه و نقش زنان در فرآیند توسعه روستایی و کشاورزی ایران

خدا رحم بزی^۱

اسلام رئیسی^۲

چکیده

توسعه روستایی مفهومی جامع و چند بعدی بوده که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنای اقتصادی اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی است. بدین ترتیب زنان روستایی با توجه به نقش و مسوولیهایی که در محیط مزرعه و منزل دارند عهده دار وظایف تولیدی و خدماتی مختلفی می باشد که مسلماً نیل به توسعه روستایی بسیار موثر می باشد. توجه به نقش زنان روستایی در توسعه روستایی، در برگیرنده تلاش برای شناسایی هر چه دقیق تر و ارزشگذاری فعالیت آنان و رفع مسایل و موانع بر سر راه گسترش فعالیت زنان روستایی در مسیر توسعه روستایی می باشد. بر این اساس هدف این مقاله بررسی نقش و جایگاه زنان روستایی در توسعه روستایی ایران است تا بدین وسیله بتوان از بخشهایی هر چند کوچک از سهم زنان روستایی را در تولید غذا، درآمد، تولید و بازاریابی، توسعه روستایی وغیره مطلع شد.

واژگان کلیدی: توسعه روستایی، جایگاه زنان روستایی، زنان و توسعه روستایی و کشاورزی، ایران

^۱ استادیار گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زابل.

Email: kh.bazzi@yahoo.com

^۲ دانشجوی کارشناسی جغرافیای انسانی - روستایی دانشگاه زابل.

Email: islam.raesi@yahoo.com

مقدمه و مبانی نظری

زنان با توجه به نقشی که در خانواده ایفا می کنند، می توانند به عنوان محور اصلی پیشرفت و توسعه محسوب شوند با توجه به واقعیت های ملموس جهانی متأسفانه زنان از موقعیتی نامطلوب در سطح بین المللی برخوردارند. بطور مثال تفاوت در سطح سیاست گذاری، سرمایه گذاری و دریافت حقوق برای کار مساوی پدیده ای جهان شمول است. میزان مشارکت زنان در فعالیت های اقتصادی تاییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است، زیرا زنان روستایی در تمام مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی و به طور کلی تمامی امور دوشادوش مردان به فعالیت می پردازند و اوقات اندک فراقتشان را نیز صرف تولید صنایع دستی مانند گلیم و قالی و غیره می کنند. بنابراین ایجاد زمینه های خود آگاهی هدایت توانایی های اقتصادی و اجتماعی زنان و برنامه ریزی جهت جلب مشارکت آنان در فعالیت های گوناگون الزامی است. در مناطق روستایی زنان نقشی به مراتب بیشتر از مردان در اقتصاد خانوار و فعالیتهای درون منزل به عهده دارند و موجب رونق اقتصادی جامعه هستند. هنوز زنان جایگاه خود را در بیشتر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه به عنوان شهروندان فعال و برخوردار از استعداد مشارکت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به دست نیاورده اند و کماکان فعالیتهای زنان در محاسبات اقتصادی مد نظر قرار نمی گیرد و از آنان به عنوان نیروی کار نامرئی یاد می شود. تخمین بسیار مایوس کننده تعداد زنان فعال روستایی و برآورد بسیار کم میزان مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی تاییدی بر عدم توجه کافی به امور زنان و ارزش افزوده آنان است. زنان نیروی عمده برای ایجاد تحول و منبعی بالقوه برای پیشبرد اقتصاد روستا و افزایش هر چه بیشتر نرخ رشد تولید محصولات غذایی هستند اگر چه کشاورزی و دامداری به طور سنتی شغلی مردانه بوده اما نقش زنان هرگز محدود به خانه و خانواده نشده و زنان علاوه بر فعالیتهای درون منزل در بیرون (کشاورزی، دامپروری، جنگلداری و...) نیز فعال هستند. اهمیت موضوع زنان در ایران به ویژه مناطق روستایی از یک سو با محدودیت امکانات و منابع تولیدی و از سوی دیگر با رشد سریع جمعیت و انبوه بیکاران در فرآیند دستیابی به رشد و توسعه روستایی مواجه می باشد و زنان روستایی در تمامی مراحل تولید محصولات کشاورزی و تولیدات دامی دوشادوش مردان به فعالیت می پردازند به طور کلی، توسعه فرآیندی است چند

بعدی و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی که مشارکت زنان روستایی در این فرآیند، مشارکتی فعالانه و تاثیر گذار بوده است و مهمترین جنبه این مشارکت تاکنون بعد اقتصادی آن برای زنان روستایی بوده است.

به گفته گیرشمن، در روزگاران نخستین در سراسر مشرق زمین حوزه فعالیت زنان حدود به خانه و خانواده نبود و آنها همچون مردان در فعالیتهای اجتماعی و اقتصادی جامعه مشارکت فعالی داشته اند (گیرشمن، ۱۳۷۲، ۱۱). در طول تاریخ ایران، نان همواره به عنوان نیمی از جامعه انسانی با بهره مندی از جایگاه اجتماعی اقتصادی تفاوت ایفاگر نقش هایی متعدد و متنوع بوده اند در این بین و در فرایند توسعه پایدار، ایگاه اجتماعی اقتصادی زنان روستایی بیش از دیگر زنان این سرزمین مرهون رابط محیطی بوده و از عوامل و عناصر جغرافیایی ندی تأثیر پذیرفته است. در واقعی استیلای شاخص های ناپایداری (عقب ماندگی) در فضای روستایی باعث شده است که آنها علی رغم گستردگی مشارکت خود در فعالیت های روزانه، همواره به عنوان اقشاری آسیب پذیر، در تله ای از محرومیت شامل بی قدرتی، ضعف جسمانی و فقر گرفتار آیند؛ محرومیتی که بالطبع جایگاه اجتماعی- اقتصادی آنها را در فرایند توسعه پایدار به شدت تنزل بخشیده است. در شرایط رجحان شاخص های توسعه پایدار ر مکان و فضای جغرافیایی روستا و زدایش برخی از باورهای نادرست عامیانه در تعریف جایگاه زنان روستایی، بستری مناسب تر جهت ارتقاء شأن و منزلت این زنان و رهایی از محرومیت های مذکور فراهم شده است (چمبرز، ۱۳۷۶، ۱۴۴). دستیابی به توسعه و بهبود کیفیت زندگی از آرمان هایی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول نموده است. نظر به این که توسعه اقتصادی به تغییر برنامه ریزی شده ساخت تولید تأکید دارد، بنابر این به دلیل کاهش سهم کشاورزی در تولید و اشتغال، استراتژی های توسعه معمولاً بر صنعتی شدن سریع شهری و به زیان کشاورزی و توسعه روستایی منجر شد (M.Chalton، ۱۹۸۴، ۱۶).

توسط شاخص های اجتماعی غیر اقتصادی مانند بهبود در سطح سواد، تعلیم و تربیت، شرایط بهداشت، خدمات و تأمین مسکن تکمیل شده است. تا پیش از سال ۱۹۷۰ تصور بر این بوده که فرآیند توسعه بر زنان و مردان بطور یکسان اثر می گذارد. در این زمان نفوذ سرمایه داری منجر به مدرنیزاسیون و باعث نابودی اقتصاد سنتی شده و این امر لطماتی را که بر زنان وارد می شد، تشدید نموده است (Janet، ۱۹۹۱، ۲۱).

اعلام سال ۱۹۷۵ به عنوان «سال جهانی زن» و در پی آن، اعلام «دهه زن» از سوی سازمان ملل توجه جهانیان را به نقش انکار ناپذیر زنان در توسعه جلب کرد و انگیزه های لازم را در سازمان های بین المللی و بسیاری از حکومت ها به منظور تلاش در رفع تبعیض از زنان بوجود آورد در همین زمان و به خصوص بعد از اعلام سال زن، حجم عظیمی بررسی مسائل خاص زنان از دیدگاه های گوناگون پرداختند. (WID) از تحقیقات تحت عنوان «زنان در توسعه» با فرض بر این که رهیافت های توسعه بر علیه زنان عمل کرده و باعث متضرر شدن آنها شده، آغاز (WID) کار نظریه گردید و به این نتیجه رسید که باید از طریق رفع احتیاجات عملی جنسیت در راستای بدست آوردن ما یحتاج آنان، شرایط را برای رفع نیازهای استراتژیک آنان فراهم ساخت (Nafis، ۱۹۸۸، ۳۴).

طرح مساله

با اینکه ضرورت الزام اقتصادی اشتغال و مشارکت زنان در فعالیتهای اقتصادی همواره در تاریخ پیشرفت جوامع بشری مطرح بوده لکن هنوز در کشور ما بین زنان و مردان تعادل مطلوب و قابل قبولی در این زمینه در فعالیتهای مختلف ایجاد نشده است و این امر به علل مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور از گذشته تا به حال مربوط می شود. زنان تقریباً نصف جمعیت جهان را تشکیل می دهند؛ دستمزد آنها فقط برابر ۱۰ درصد از درآمد جهان است؛ زنان روستایی قشری زحمتکش و فعالند که در تمامی فعالیتهای روزانه اعم از کشاورزی، دامداری، تولید لبنیات فرش، گلیم، شالبافی، نخ، حصیر، چادر، هیزم، پرورش ماکیان، ظروف و صنایع دستی و... همپای مردان علاوه بر امور خانه داری، همسر داری و بچه داری سهیم می باشند و از این بابت نصیبی منطبق با تلاش و فعالیت خود بدست نمی آورند حمایت از زنان و آموزش آنان و همچنین مهارت سازی در آنان و توانمند ساختن زنان بعنوان قشر تاثیرگذار و انتقال دهند؟ فرهنگ و ارزشها، امری است که باید در برنامه ریزیهای تصمیم گیران و سیاستگذاران مورد توجه قرار گیرد.

حال با توجه به نکات یاد شده برای رسیدن به پاسخ این سوال که در نقاط روستایی زنان چه نقشی در اقتصاد خانواده و توسعه روستایی دارند سوالات زیر مطرح می شود :

- ۱ - نقش زنان در برنامه های توسعه چه اندازه می باشد؟
- ۲ - زنان تا چه حد در فعالیت خود آزاد هستند؟
- ۳ - مشارکت زنان در توسعه روستا تا چه اندازه در فرآیند توسعه موثر است؟
- ۴ - مشکلات زنان در رابطه با فعالیت آنان در روستای مورد نظر و نارسایی های آن چیست؟

روش تحقیق

در مقاله حاضر، از روش تحقیق کتابخانه ای و اسنادی بکار برده شده است. این تحقیق که بر اساس روشهای فوق الذکر انجام شده است که نتایج بدست آمده از آن حاکی است که نقش زنان در جوامع روستایی امروز یک اصل غیرقابل انکار است بطوریکه زنان روستایی در تهیه غذا، کمک به فعالیت های کاشت، داشت و برداشت، پرورش احشام، تولید و بازاریابی و غیره دارند.

مفهوم توسعه

توسعه، فرآیندی است که موجب رشد کمی تولیدات کالا و خدمات می شود و در روند آن پدیدههای نابرابر اجتماعی (نظیر فقر و محرومیت یا بیسوادی و...) از بین می روند و ضمن حصول استقلال اقتصادی و تقویت بنیه مالی و مادی جامعه، تحقق عدالت اجتماعی، ترقی فرهنگی، علمی و فنی صورت می پذیرد. توسعه به فراگردی گفته می شود که در آن جامعه از وضع نامطلوبی به وضع مطلوبی متحول می شود. این

فراگرد تمامی نهادهای جامعه را در بر می گیرد و ماهیت آن اساساً آن است که توان و ظرفیت بالقوه جامعه به صورت بالفعل در می آید. به عبارت دیگر در فرآیند توسعه، استعدادهای سازماندهی جامعه از هر جهت بارور و شکوفام ی شود. چه از نظر اقتصادی و چه از نظر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. بنابراین توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است (حاتمی، ۱۳۸۶، ۲).

مفهوم توسعه روستایی و کشاورزی

مشکل اینجاست که به رقم نوشته های فراوانی که درباره توسعه روستایی وجود دارد، هنوز تعریف و طیف توسعه روستایی با دقت و وضوح کامل نشده است. در اینجا به بعضی از تعاریف توسعه روستایی اشاره داریم، اولین تعریف که در کتاب آقای آسایش به آن اشاره شده است که توسعه روستایی را اینگونه تعریف می کنند:

«توسعه روستایی راهبردی است جهت بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی روستاییان فقیر» (آسایش، ۱۳۸۰، ۱۰).

مایکل تودارو (۱۳۷۸)، مدعی است که توسعه روستایی در عین حال که عمدتاً منوط به پیشرفت کشاورزی زارعین کوچک است، از این بسیار فراتر می رود و شامل: الف) بهبود سطح زندگی از جمله بهبود درآمد، اشتغال، آموزش، بهداشت و تغذیه، مسکن و رشته متنوعی از خدمات اجتماعی مربوط؛ ب) کاهش نابرابری در زمینه توزیع درآمدهای روستایی و کاهش عدم تعادل درآمدها و امکانات اقتصادی بین مناطق شهری و روستایی؛ ج) گسترش توانایی بخش روستایی در تثبیت و تسریع روند پیشرفت در طول زمان است (طالب، ۱۳۸۴، ۲۳۱ و ۲۳۲).

توسعه روستایی مفهومی جامع و چند بعدی بوده که در برگیرنده رشد کشاورزی و فعالیتهای وابسته به آن (صنایع دستی و صنایع روستایی)، زیربنای اقتصادی اجتماعی، خدمات اجتماعی و تسهیلات مربوطه و مهمتر از همه توسعه منابع انسانی در مناطق روستایی است. استراتژیهای توسعه روستایی بر هفت هدف

مشخص بنا نهاده شده اند که عبارتند از: رشد تولیدات کشاورزی، استفاده بهتر از منابع کمیاب، کاربرد بهینه سرمایه، ایجاد فرصتهای شغلی، توزیع مجدد درآمد، ارتقاء سطح زندگی و مشارکت جمعیت روستایی در تمشیت امور در جامعه. بدین ترتیب زنان روستایی باتوجه به نقش و مسؤولیتهایی که در محیط مزرعه و منزل دارند عهد هدار وظایف تولیدی و خدماتی مختلفی می باشند که مسلما در نیل به توسعه روستایی بسیار مؤثر می باشد.

از این منظر، اوفارل توسعه روستایی را فرآیند همه جانبه و پایداری می داند که در چارچوب آن، تواناییهای اجتماعات روستایی به منظور رفع نیازهای مادی، معنوی و کنترل موثر بر نیروهای شکل دهنده نظام سکونت محلی (اکولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی ونهادی) رشد و تعالی می یابد (وثوقی و ایمانی، ۱۳۸۹، ۲۴).

توجه به پدیده روستا در قالب هر برنامه ریزی منطقه ای از اولویت و اهمیت خاصی برخوردار است (شیعه، ۱۳۷۸، ۲). البرت واترسون، توسعه و عمران روستایی را یک فعالیت چندبخشی مرکب می داند که شامل توسعه کشاورزی و توسعه تسهیلات اجتماعی برای هر فرد روستایی می باشد (آسایش، ۱۳۸۱، ۲۱).

جایگاه اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی

آلن بپرو در فرهنگ علوم اجتماعی خود جایگاه یا پایگاه اجتماعی - اقتصادی را جایی می داند که هر کس در ساخت اجتماعی - اقتصادی اشغال می کند و نیز وضع یا اعتباری می داند که معاصران فرد به او به طور عینی در بطن جامعه ای که در آن زندگی می کند تفویض می دارند (بیرو، ۱۳۷۵، ۳۸۱).

به اعتقاد برخی از اندیشمندان، متغیرهای اجتماعی - اقتصادی عبارتند از: سطح درآمد، آموزش، طبقه اجتماعی خودخواسته، یا دیگرخواسته، وجهه شغلی، مالکیت خانه و اموال فیزیکی دیگری که می تواند بر مشارکت داوطلبانه افراد در فعالیت ها تأثیر بسزایی داشته باشد (Reddy، ۱۹۸۵، ۸۵). در تعهدات بین المللی، از جمله دستور کار ۲۱، مواردی همچون شناخت نقش زنان، دسترسی و کنترل بر منابع، فقرزدایی از زنان با آموزش و کار، و سازماندهی و قدرتمند کردن آنها به عنوان عوامل مؤثر در تحکیم جایگاه زنان

برشمرده شده است (۳، ۲۰۰۴، WEDO).

نقش زنان در توسعه روستایی ایران

بخش کشاورزی، یکی از تواناترین بخش های اقتصادی کشور است که تأمین کننده یک سوم اشتغال، بیش از چهار پنجم نیازهای غذایی کشور، نیمی از صادرات غیر نفتی، ۹۰٪ نیاز صنایع به محصولات کشاورزی و یک پنجم تولید ناخالص داخلی کشور است. تولیدات این بخش ۴/۲ میلیون خانوار روستایی است. زنان به حاصل فعالیت عنوان یکی از عوامل «غیر مشهود و نامرئی» در اقتصاد کشاورزی، سهم عظیمی از کل نیروی انسانی مورد نیاز بخش کشاورزی در سطح جهان را به خود اختصاص می دهند (موحد و همکاران، ۱۳۸۵، ۲۹۱-۲۶۶). بر طبق آخرین آمار رسمی و مستند، کل جمعیت زن و مرد روستایی ایران در سال ۱۳۷۵، ۱۶۷۵۳ هزار نفر بود که در این میان جمعیت فعال روستایی، ۶۳۰۶ هزار نفر (تقریباً ۱۴ درصد) از جمعیت فعال را زنان روستایی تشکیل می دهند که ۷۶۶ هزار نفر از آنان شاغل و بقیه بیکارند. از کل جمعیت غیر فعال روستایی، ۱۰۲۵۷ هزار نفر مرد هستند و ۷۳۵۹ هزار نفر زن هستند، که ۱۶۴۵ هزار نفر آنها محصل، ۵۱۷۶ هزار نفر خانه دار و بقیه نیز کمتر از ۶ سال سن دارند (مهربانیان و مؤذنی، ۱۳۸۶، ۱۹۵-۱۷۶). با در نظر گرفتن این آمار و ارقام لازم است به این نکته توجه شود که بر اساس مطالعات و بررسی های انجام شده، انجام شده، یک چهارم تولید ناخالص ملی کشورمان در بخش کشاورزی است که سهم زنان در این میان، چشمگیر می باشد ۴۰-۳۵ درصد نیروی کار در این بخش را؛ به طوری که ۴۰ زنان روستایی تشکیل می دهند (حیدری، ۱۳۷۷، ۲۰۵-۲۰۴).

بنابراین همان طور که از آمارها برداشت می شود، زنان در حدود نیمی از جمعیت جامعه روستایی ایران را تشکیل می دهند. آنان دارای نقش های متفاوتی، از جمله وظایف همسری، کدبانوگری، تولید و تبدیل فرآورده های خوراکی مثل ماست و پنیر، کار در مزارع خانگی، تهیه آب و وسائل سوخت، مشارکت در فعالیت های اجتماعی، کار بعنوان مزدبگیر و ... می باشند. نقش زنان در تولید غذا از منطقه ای به منطقه دیگر و از محصولی به محصول دیگر متفاوت است. علاوه بر مشارکت زنان روستایی در فعالیت های کشاورزی، بیشتر آنها در زمینه صنایع دستی نیز فعال هستند که سهم این قشر در تولید صنایع دستی در

حدود ۷۵ درصد است (همان) که تولید صنایع دستی علاوه بر اینکه اهمیت زیادی در خود اشتغالی زنان روستایی دارد، محصولات تولید شده نیز اغلب جنبه صادراتی داشته و در نتیجه به عنوان یکی از منابع مهم ارزآوری برای کشور محسوب می شود. یکی از این صنایع دستی که زنان روستایی مهمترین نقش را در تولید آن دارند، فرش دستباف است. ساعت در روز طول زمان کاری زنان روستایی بین ۱۶-۱۵ است، کارشان نیز یکنواخت تر و سنگین تر از زنان شهری است، در نتیجه خستگی بیشتر به همراه دارد (مهربانیان و مؤذنی، ۱۳۸۶، ۱۹۵-۱۷۶). خوشبختانه تحقیقاتی در باره نقش زنان روستایی در روستاهای ایران انجام گرفته اند که می توان آنها را دلیلی بر اثبات ادعای نقش زنان روستا در توسعه کشاورزی و روستایی دانست. برای مثال در مطالعه انجام گرفته توسط یوسفی در روستای لج استان آذربایجان غربی، که درباره نقش زنان در چغندرکاری و گوجه فرنگی انجام گرفت، این نتایج به دست آمدند: زنان ۳۸ درصد از نیروی کار را در چغندرکاری تشکیل می دادند. یعنی فعالیت های مربوط به وجین، تنک، جمع آوری و سرزنی محصول که با دست انجام می گیرند را زنان بر عهده داشتند. همچنین در فعالیت هایی نظیر زهکشی، وجین و تنک، برداشت و بسته بندی محصول و تا حدودی فعالیت های مربوط به سم پاشی و کودپاشی در محصول گوجه فرنگی که به طور دستی انجام می شوند، با کمک زنان انجام می گرفتند که در این زمینه ها زنان ۴۱ درصد نیروی کار را تشکیل می دادند (یوسفی، ۱۳۸۴، ۹-۶).

برآورد جمعیت کل کشور به تفکیک مناطق شهری و روستایی و جنس - سالهای ۱۳۸۹-۱۳۷۵

شرح	شهری		روستایی		جمع	شرح
	مرد	زن	مرد	زن		
۱۳۷۵	۳۶۸۱۷۷۸	۱۸۸۰۵۰۲	۱۸۰۱۲۷۶	۲۳۲۳۷۶۹۹	۱۱۷۱۰۱۳	۱۱۵۲۷۵۶
۱۳۷۶	۳۷۹۳۳۳۳	۱۹۴۰۳۵۳	۱۸۵۲۹۷۹	۲۳۱۳۷۰۹	۱۱۶۷۱۰۶	۱۱۴۶۶۰۳
۱۳۷۷	۳۹۰۶۵۷۳	۱۹۹۳۸۵۸	۱۹۱۲۷۱۵	۲۳۰۳۶۷۷	۱۱۶۲۷۰۵	۱۱۴۰۹۷۲
۱۳۷۸	۴۰۲۳۴۰۱	۲۰۵۲۸۰۷	۱۹۷۰۵۹۴	۲۲۹۱۸۰۳	۱۱۵۷۴۰۱	۱۱۳۴۴۰۱
۱۳۷۹	۴۱۴۰۷۳۴	۲۱۱۲۰۱۲	۲۰۲۸۷۲۱	۲۲۸۱۱۹۷	۱۱۵۲۷۸۴	۱۱۲۸۴۱۳
۱۳۸۰	۴۲۵۸۷۴۶	۲۱۷۱۵۶۴	۲۰۸۷۱۸۲	۲۲۷۱۳۸۴	۱۱۴۸۵۸۳	۱۱۲۲۸۰۰
۱۳۸۱	۴۳۷۰۹۹۸	۲۲۲۸۱۷۱	۲۱۴۲۸۲۶	۲۲۵۹۰۴۳	۱۱۴۳۱۶۴	۱۱۱۵۸۷۹
۱۳۸۲	۴۴۸۳۴۹۸	۲۲۸۴۹۰۴	۲۱۹۸۵۹۴	۲۲۴۷۹۸۲	۱۱۳۸۴۴۵	۱۱۰۹۵۳۷
۱۳۸۳	۴۵۹۶۶۴۳	۲۳۴۱۹۶۴	۲۲۵۴۶۷۸	۲۲۳۷۸۲۹	۱۱۳۴۲۰۸	۱۱۰۳۶۲۰
۱۳۸۴	۴۷۰۹۵۸۸	۲۳۹۸۹۲۰	۲۳۱۰۶۶۷	۲۲۲۹۴۵۲	۱۱۳۰۹۶۰	۱۰۹۸۴۹۱
۱۳۸۵*	۴۸۲۵۹۹۶	۲۴۵۷۶۴۴	۲۳۶۸۳۵۲	۲۲۲۳۵۸۱	۱۱۲۸۹۹۲	۱۰۹۴۵۸۹
۱۳۸۶	۴۹۵۷۱۹۲	۲۵۲۳۹۰۶	۲۴۳۳۲۸۶	۲۱۹۶۰۱۳	۱۱۱۳۸۲۳	۱۰۸۲۱۹۰
۱۳۸۷	۵۰۹۲۷۹۴	۲۵۹۲۳۲۷	۲۵۰۰۴۶۶	۲۱۶۵۵۶۴	۱۰۹۷۳۰۶	۱۰۶۸۲۵۷
۱۳۸۸	۵۲۳۲۴۷۸	۲۶۶۲۸۶۱	۲۵۶۹۶۱۷	۲۱۳۲۵۷۸	۱۰۷۶۲۷۰	۱۰۵۶۳۰۸
۱۳۸۹	۵۳۶۳۷۶۵	۲۷۲۹۱۴۵	۲۶۳۴۶۲۰	۲۱۰۹۵۵۷	۱۰۶۶۶۵۰	۱۰۴۲۹۰۷

منبع: مرکز آمار ایران

نقش زنان در تولید محصولات کشاورزی ایران

در سراسر دنیا، وظیفه زنان روستایی تهیه غذا، کمک به فعالیت های کاشت، داشت و برداشت، پرورش احشام، تولید و بازاریابی است. بنا به گزارش بانک جهانی، فعالیت زنان روستایی در مناطق روستایی به شکل کارهای کشاورزی است. آمارهای غیررسمی حاکی از آن است که زنان روستایی در ایران به میزان

۶۰ درصد در زراعت برنج، ۹۰ درصد در تولید سبزی و صیفی، ۵۰ درصد در زراعت پنبه و دانه های روغنی، ۳۰ درصد در امور باغها و ۹۰ درصد در پرورش کرم ابریشم مشارکت دارند(جمشیدی ۱۳۸۲،۵۷-۶۴).

موانع فعالیت زنان در روستاهای ایران

مطالعات اقتصادی و اجتماعی نشان داده است که موانع متعددی در مسیر نقش زنان در توسعه روستایی ایران وجود دارد که عمده آنها به شرح ذیل می باشد:

الف: موانع فردی

- پایین بودن سواد که منجر به عدم اعتماد به نفس، احساس حقارت، و خود کم بینی می شود.
- حجم زیاد فعالیت آنان و تنوع در کار زنان روستایی (بچه داری، امور منزل، کشاورزی، دامپروری، صنایع دستی)

• کم بودن اطلاعات، دانش و آگاهی های علمی و کاربردی آنها

• سوء تغذیه و پایین بودن ضریب سلامت و بهداشت فردی

ب: موانع خانوادگی

- عدم آگاهی نسبت به نحوه برخورد با دختران و زنان
- تعصبات خانوادگی و موافقت نکردن شوهر یا پدر با حضور زنان در فعالیت های اجتماعی و اقتصادی به دلایل مختلف فرهنگی و یا تمایل نداشتن به از دست دادن نیروی کار منزل
- باور و نگرش منفی نسبت به توانایی آنان
- تبعیض های جنسیتی

ج (موانع اجتماعی :

- آداب و سنن غلط نظیر خرافات ، تقدیرگرایی و ...
- دسترسی پایین زنان به اعتبارات و تسهیلات نهادها و عوامل تولید

- دور از دسترس بودن خدمات ترویجی ، جهت گیری فعالیت های اجتماعی و برنامه های مشارکتی به سمت مردان
- کمبود متخصصان زن در جهت آموزش زنان روستایی
- مشکلات دسترسی به خدمات و تسهیلات اجتماعی و بهداشتی
- پایین بودن دستمزد زنان روستایی در مقایسه با مردان
- حضور بسیار اندک سازمان های غیردولتی زنان برای پیگیری مسائل و مشکلات زنان روستایی
- حضور کم زنان در مدیریت روستا و نهاد دهیاری (امیری، ۱۳۸۷، ۱۸-۱۷).

Archive of SID

نتیجه گیری

زنان در جوامع در حال توسعه نقش چشمگیری را در اقتصاد روستا ایفاء می کنند؛ اما شواهد فراوانی حاکی از آن است که سیاست های توسعه بکار رفته در مناطق روستایی منجر به خارج شدن تعداد زیادی از زنان خصوصاً زنان تحصیل کرده از بازار کار روستایی شده است. مشارکت زنان روستایی خصوصاً زمانی که عنوان سرپرست خانوار را دارند، حساس تر میشود.

با توجه به اینکه روستا یک مکان مناسب برای کشاورزی و فعالیتهای جانبی وابسته به آن است می توان گفت که نقش زنان در روستاها بیشتر معطوف به این نکته بوده و در صورت توسعه بخش کشاورزی در روستاها و امکان نهادینه کردن زیر ساخت های مناسب می توان نگاه درستی به فرایند توسعه داشته باشیم. بخش کشاورزی به عنوان یکی از مهم ترین بخش های تولیدی کشور در تامین امنیت غذایی مورد نیاز مسئولیت بسیار سنگینی بر دوش دارد، که با توجه به بهره وری نیروی انسانی می تواند این بخش را در دست یابی به این هدف عمده خود در حد بسیار مناسبی یاری دهد. در این راستا زنان نیز نقش مهمی را ایفا می کنند. با این وجود به دلیل محدودیت های بی شماری که زنان روستایی با آن مواجهند هنوز امکان بروز توانمندیهای خود را در این زمینه نیافته اند. در این میان با توجه به نقش بسیار عمده این گروه فراموش شده در فعالیتهای کشاورزی، تمرکز و توجه ویژه به این قشر عظیم از جامعه و فراهم ساختن خدمات حمایتی، آموزشی و ترویجی برای آنها می تواند به رفع موانع و مشکلات بی شمار پیش روی آنها کمک کرده و در نهایت منجر به افزایش و بهبود بهره وری آنها در امر کشاورزی و در نتیجه افزایش رفاه و آسایش جامعه روستایی گردد. برای آنکه بتوان موانع و مشکلات فعالیت زنان در روستاها را رفع نمود باید با یک برنامه ریزی دقیق و مدون به تقویت بنیه کاری زنان پرداخت تا با همکاری آنها بتوان در یک مسیر صحیح قدم گذاشت. دسترسی روستائیان به آموزش در سطوح مختلف، امکان برخورداری آنان از فرصتهای شغلی مناسب و همچنین تجهیزات صنعتی، فنی و درمانی موجب خواهد شد که شهرها از حالت تمرکز و جذب سرمایه های داخلی و خارجی بیرون رفته و امکان توزیع عادلانه منابع و تسهیلات میان شهر و روستا فراهم گردد و دولت بجای تحمل هزینه های سنگین کنترل جمعیت شهرنشین، این هزینه ها را در جهت توسعه روستایی و حمایت از زنان روستایی که آسیب بیشتری در مواجهه با عدم امکانات می بینند و

نسبت به مردان از نرخ مهاجرت بسیار کمتری برخوردارند و مجبور به انطباق با شرایط موجود و استفاده از امکانات موجود می باشند ، به مصرف برسانند. در جهان امروز نیل به اهداف توسعه بدون استفاده از توانایی های نیمی از افراد جامعه ، یعنی زنان غیرممکن است.

در فعالیت های اقتصادی مشارکت زنان در امور روزمره اقتصادی در بسیاری از کشورها دسترسی نسبتاً کم آنها به منابع اقتصادی است. که باید با در اختیار قرار دادن امکانات اقتصادی به زنان توان آنها را در این زمینه نیز تقویت نماییم. حوزه دیگری که در آنها حضور زنان در امور اقتصادی را دگرگون کرده، فعالیت های کشاورزی است. فرصت هایی که آنها در این حوزه بدست می آورند می توانند تاثیر تعیین کننده ای بر کارکرد اقتصاد و مناسبات اجتماعی مرتبط با آنها داشته باشند. مباحث مشابهی در شناخت نقش زنان در تحولات محیط زیستی، به خصوص در حفظ منابع طبیعی، با ارتباط به زندگی و کار زنان مطرح می شوند. در حقیقت توانمندسازی زنان یکی از مباحث اصلی فرآیند توسعه برای بسیاری از کشورها در جهان امروز است. عوامل موجود شامل تحصیلات زنان، الگوی مالکیت آنها، فرصت های شغلی آنها و کارکردهای بازار کار هستند، اما چنانچه از این متغیرهای نسبتاً کلاسیک فراتر برویم، این عوامل همچنین شامل ماهیت مناسبات شغلی، نحوه برخورد خانواده و بطور کلی اجتماع با فعالیت- های اقتصادی زنان و شرایط اقتصادی و اجتماعی که تغییر در این روحیات را ترغیب یا در مقابل آن مقاومت می- کنند هستند. تمرکز توجه بر نقش عاملیت زنان نتایج مستقیم روی رفاه زنان دارد ، اما گستره آن بسیار فراتر از رفاه زنان خواهد بود.

نتیجه آخر اینکه زنان و مردان هر دو در برنامه های کشاورزی و توسعه روستایی نقش دارند، اما هرکدام بر اساس نوع فعالیت هایی که انجام می دهند آگاهیها و نیازهای متفاوتی دارند از آنجا که کلیه فعالیت های انسان برای تامین نیازمندیهایش انجام می گیرد و مهاجرت روستائیان به شهرها نیز به جهت امید به دستیابی زندگی بهتر و با کیفیت تر است، لذا می بایست دولتها و حکومتها در سیاستگذاری های خود و برنامه ریزیها، توجه خاصی به برنامه ریزی منطقه ای داشته باشند و این امر میسر نمی گردد مگر با شناخت عناصر اقلیمی، جمعیتی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هر منطقه و همچنین نوع ارتباط این عناصر با عناصر خارج از منطقه و بیرونی. چنین مطالعه و شناختی موجبات برنامه ریزی هرچه بهتر و

منطبق با نیازهای منطقه را فراهم کرده و از هدر رفتن سرمایه گذاریهای انجام شده جلوگیری می کند. اگر امکانات آموزش، بهداشت، اشتغال، درمان و ... در روستا فراهم گردد و ارتقاء سطح کیفی زندگی روستائی همانند شهر مورد توجه قرار گیرد، مهاجرت تعدیل می شود. از طرفی حمایت از تولیدات کشاورزی و دامی روستائیان و همچنین صنایع محلی و جذب بازارهای مناسب برای آن از طرف حکومتها می تواند در دل بستگی روستائیان به زندگی روستایی موثر واقع شود. در نهایت نگاه مثبت برنامه ریزان امر توسعه به مشارکت زنان روستایی، کمک شایانی به ارتقای موقعیت یک خانواده بهره مند روستائی خواهد رساند و عاملی جهت کاهش شکاف میان خانواده های شهری و روستائی خواهد گردید.

منابع و ماخذ

[۱] Ellen sue, M.Chalton.(۱۹۸۴). women in third world deevlopment, Westview press ,Boulder and London.

[۲] Henshall Momsen.Janet.(۲۰۰۴). Gender and development, Rutledge, London and New York.

[۳] Sadik.Nafis.(۱۹۸۸).Women the centre of development, in development, in development Journal of SID.

[۴] Reddy, Richard.(۱۹۷۳). “Why do people participate in voluntary action?” Journal of Extension, vol. xi.

[۵] WEDO (Women,s Environment and Development Organization) (۲۰۰۴) “paper”: available on www.wedo.org.

- [۶] امیری، زهرا.(۱۳۸۷). جایگاه زنان روستایی و موانع مشارکت آنها در فرایند توسعه. فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی. سال ششم، شماره بیست و دوم.
- [۷] آسایش، حسین.(۱۳۸۸). اصول و روشهای برنامه ریزی روستایی(چاپ هشتم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- [۸] آسایش، حسین.(۱۳۸۸). کارگاه برنامه ریزی روستایی(چاپ ششم). تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور. - بیرو،آلن.(۱۳۷۵). فرهنگ علوم اجتماعی. ترجمه باقر ساروخانی، تهران: سازمان انتشارات
- [۹] چمبرز،رابرت .(۱۳۷۶). توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقرا. ترجمه مصطفی ازکیا، تهران: دانشگاه تهران
- [۱۰] جمشیدی، مژگان.(۱۳۸۲). زنان و توسعه روستایی. مجله علمی،اجتماعی،اقتصادی جهاد،سال ۲۳، شماره ۲۵۷.

- [۱۱] حیدری، علیقلی. (۱۳۷۷). ضرورت و جایگاه مطالعات ویژه زنان روستایی در معاونت ترویج و مشارکت مردمی. مجله جهاد، سال ۱۸، شماره ۲۰۵-۲۰۴.
- [۱۲] حاتمی، مجتبی. (۱۳۸۶). تحلیلی بر نقش زنان روستایی در توسعه روستا (چاپ نشده)، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد.
- [۱۳] شیعه، اسماعیل. (۱۳۷۸). مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری (چاپ سوم). تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت.
- [۱۴] طالب، مهدی. (۱۳۸۴). جامعه شناسی روستایی با تاکید بر ابعاد تغییر و توسعه در جامعه روستایی ایران (چاپ اول). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۵] گیرشمن، رومن. (۱۳۷۲). ایران از آغاز تا اسلام. ترجمه محمد معین، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- [۱۶] موحد، حمید، لشکرآرا، فرهاد، کرکه آبادی، نیره. (۱۳۸۵). تحلیل جنسیتی و زنان روستایی. مجله علمی، اجتماعی، اقتصادی جهاد ترویج، کشاورزی و توسعه روستایی، سال ۲۶، شماره ۲۷۳.
- [۱۷] مهربانیان، الهه و مؤذنی، سعیده. (۱۳۸۶). نقش زنان روستایی در بخش کشاورزی (مطالعه موردی آسیا). مجله علمی، ترویجی جهاد ترویج، کشاورزی و توسعه روستایی، سال ۲۷، شماره ۲۷۸.
- [۱۸] وثوقی، منصور و ایمانی، علی. (۱۳۸۹). آینده توسعه روستایی و چالشهای پایداری. مجله توسعه روستایی، سال اول، شماره ۲.
- [۱۹] یوسفی، شیدا. (۱۳۸۴). نقش زنان روستایی در تولید محصولات زراعی چغندر قند و گوجه فرنگی. مجله جهاد روستا، سال ۲۵، شماره ۴۴۴.

SID



سرویس های
ویژه



سرویس ترجمه
تخصصی



کارگاه های
آموزشی



بلاگ
مرکز اطلاعات علمی

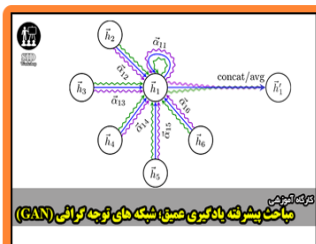


عضویت در
خبرنامه



فیلم های
آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛
شبکه های توجه گرافی
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی